



طیب نیمه اول هرامه برای پزشکان و نیمه دوم هر ماه برای سایر صاحبان حرف پزشکی به رایگان ارسال می شود



۲۰۲۰ نسخه در ماه



نشریه علمی، خبری و صنفی ■ سال سوم ■ شماره ۳۸+۴ ■ ۸ صفحه ■ نیمه اول مهرماه ۱۳۸۶

## پزشکی جنگ و جبهه

## امسال کسری بودجه بیشتری خواهیم داشت

## تگاهی به مشکلات بیمارستان های سوانح سوختگی ورود افراد پولدار ممنوع



## پزشک کاتولیک پزشکی سلامت محور

## سن مادر، بیوشیمی و قطر پشت گردن جنین



مهندس: محسن: جباری

## نایب رییس کمیسیون بهداشت با اشاره به ایجاد شعب بین المللی دانشگاه های پزشکی در مناطق آزاد گفت:

## این اقدام قدمی روبه جلو، در ارتقای سطح آموزشی و اشتغال زایی است

نایب رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: «ایجاد شعب بین المللی دانشگاه های پزشکی در مناطق آزاد قدم رو به جلویی است و در ارتقای سطح آموزشی کشور تأثیر مثبتی دارد.»

انوشیروان محسنی بندپی در گفت و گو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، افزود: «دانشگاه های کشور در بعد تربیت نیروهای متخصص و اعضای هیئت علمی به درجه ای رسیده اند که می توان آنها را با دانشگاه های دیگر کشورهای آسیای میانه مقایسه کرد و حتی گاهی نسبت به این دانشگاه ها از مزیت های بیشتری برخوردارند.» وی ادامه داد: «بسیار توجه به اینکه میل به ادامه تحصیل و انگیزه آن در بین خانواده های ایرانی زیاد است، چنانچه جوانی نتواند در داخل کشور به تحصیلات عالی به پردازد با اجبار و فشار برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر می کند، بنابراین می توان به توانمندی، ظرفیت و استعداد های جوانان توجه و از قدمت دانشگاه ها استفاده کرده و در مناطق آزاد، شعبه های بین المللی راه اندازی کنیم.»

به گفته نماینده مردم نوشهر، پذیرش دانشجوی داخلی در این شعب سبب می شود بسیاری از جوانانی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور می روند در داخل کشور ادامه تحصیل دهند.» وی در ادامه در مورد نبود بیمارستان آموزشی در مناطق آزاد گفت: «با توجه به اینکه دانشجویان باید در پایان سه سال اول تحصیل وارد دوره های بالینی شوند و از بیمارستان های آموزشی استفاده کنند، چنانچه این امکانات در منطقه مورد نظر فراهم نبود، می توانند دو سال آخر تحصیلات خود را از امکانات بیمارستان های تهران استفاده کرده و دوره هایشان را تکمیل کنند. البته می توان در این مناطق بیمارستان های آموزشی نیز راه اندازی کرد و با اینکه دانشجویان از نزدیک ترین بیمارستان آموزشی که در شهرهای اطراف این مناطق وجود دارد، استفاده کنند.»

سازمان دهی دانشجویان داوطلب دانشگاه بر عهده چه تشکلی بود؟

در آن زمان دانشجویان به دو شکل به جبهه اعزام می شدند. یک گروه دانشجویانی بودند که برای حضور در خط مقدم و در جایگاه نیروی رزمی اعزام می شدند که سامان دهی آنها بر عهده بسیج دانشجویی بود. گروه دیگر برای کمک به تیم پزشکی داوطلب می شدند و سامان دهی این افراد را جهاد دانشگاهی بر عهده داشت.

جهاد دانشگاهی پل ارتباطی میان انجمن های اسلامی و ستاد هماهنگی و پشتیبانی بهداشت و درمان مناطق عملیاتی بود.

اما با تصویب طرح یک ماهه و امثال آن، طول زمان این اعزام از حالت یک فعالیت داوطلبانه، به حضور اجباری یک ماهه تمام پزشکان در جبهه تغییر یافت، علت این تغییر چه بود؟

بقیه در صفحه ۲

بیانید. من در آن مقطع دانشجوی سال ششم بودم و در بیمارستان امام خمینی یا هزارتختخوابی پهلوی سابق، در انجمن اسلامی مشغول بودیم. پس از مشورت با دوستان به این نتیجه رسیدیم که انجام دو کار لازم است: نخست آشنا کردن مردم با کمک های اولیه و امدادی به ویژه در مسجدها و دوم تدارک خانه هایی برای کمک های پزشکی، در مسیر میدان امام حسین (شهنای یا فوزه سابق) و میدان آزادی (شهید سابق). برای این کار عده ای از دوستان بسیج شدند. جزوهای کمک های اولیه تهیه شد و تیم های پزشکی متشکل از جراح، ارتن، پرستار، بهیار و ... به همراه وسایل جراحی مقدماتی به وجود آمدند. بالای این جزو ها هم «به نام خدا» نوشتیم تا مشخص شود این جزو ها متعلق به مسلمان هاست. هسته اولی این تیم ها در پیش از انقلاب این چنین تشکیل شد.

حضور این تیم ها در اتفاقات پس از انقلاب چگونه بود؟

بازترین درگیری های مرزی پس از انقلاب، در کردستان بود. به دو دلیل: نخست حمایت کشور همسایه و ادعای استقلال و تفاوت مذهب و دوم کمبود امکانات پزشکی در منطقه. متأسفانه در آن روزها از آنجا خبرهای ناخوشایند سیاسی و انسانی به گونه ای قاجعبار می رسید و موافقان و مخالفان انقلاب تمام توان خود را برای کمک به طرفین بسیج کرده بودند. عده ای از همان دوستان پزشک برای اعزام به منطقه اعلام آمادگی کردند و عده ای هم برای تصفیه بیمارستان ها از سمپات های گروه مقابل (به ویژه در تهران) دست به کار شدند. به خاطر دارم در آن مقطع کسانی چون دکتر سیدحسین احمدی و دکتر طهماسبی هم به کردستان رفتند و بعدها هم در جنگ حضور پیدا کردند. من هم در نیمه اول سال ۵۹ فارغ التحصیل و پیش از جنگ و به طور رسمی وارد بهداری تهران شدم.

## گفت و گو با دکتر احمدعلی نوربالا فرمانده بهداری کل سپاه در زمان جنگ

# به دنبال انگیزه های خوب

در حقیقت کار دانشکده پزشکی تبدیل یک غیرپزشک به پزشک است. این کار تنها آموزش دادن نیست. هویت دادن هم هست. برای همین است که فارغ التحصیل و حتی دانشجوی پزشکی، همیشه و همه جا «خانم یا آقای دکتر» است، او را به عنوان عضو جامعه پزشکی می شناسند و هویتش این جامعه است. جامعه ای که سرگذشتش را بلد نباشد، حتما جامعه ای بی هویت است. با اینکه گاهی ریشه های عمیقی هم دارد اما بی بنه است و بیش از هر چیز به منفعتش اهمیت می دهد. آن قدر که برای کسب آن از همه چیز حتی اعتبارش مایه می گذارد. پس خیلی مهم نیست اگر گاهی اظهار نظری هم می کند چون کسی حرفش را جدی نمی گیرد. چنین جامعه ای ضعیف است و ضعف ترس می آورد و توسری خور می کند. ما می دانیم تاریخ پزشکی زمان انقلاب و دوران جنگ، هویت ما و پر از افتخار است، اما از آن جز چند قاب عکس خاک گرفته بر دیوارهای دانشکده و تعدادی اسم بیمارستان و آملی تاتر ندیده و نشنیده ایم. برای همین به سراغ دکتر احمدعلی نوربالا رفتیم و درباره آن سال ها سؤال کردیم. آقای دکتر، مسئول بهداری کل سپاه، مسئول مرکز درمانی بیت حضرت امام (ره)، رئیس دانشگاه شاهد و رئیس هلال احمر ایران بوده اند و اکنون استاد روانپزشکی دانشگاه تهران هستند.

محمد امین خوش لسان - محمدرضا شالبافان

## طیب جریب شاهد

دکتر محمد امین خوش لسان

«دکتر نوربالا شمایی؟» نور چراغ قوه صاف توی چشم دکتر بود. نمی توانست ببیند چه کسی صدایش کرده، صاحب چراغ قوه گفت آقا محسن به فرارگاه خاتم احضارش کرده است. «چطور؟»، احتمالاً به خاطر دست آقا محسن. چند روز قبل دست آقا محسن ضرب دیده بود که توی گچ بود. طهماسبی که رزیدنت ارتوپدی بود، همان بغل دراز کشیده بود. نوربالا صدایش کرد که دوتایی بروند. صاحب چراغ قوه موافق نبود، دلپش هم این بود که آقا محسن تنها دکتر نوربالا را خواسته بود. سه صبح بود و کف سنگر ریاست، ده نفر از بچه ها کپک تا کپک خوابیده بودند. نوربالا از بینشان راهی پیدا کرد و رفت. صاحب چراغ قوه که حالا راننده بود پشت فرمان ماشین منتظر بود.

راننده درست حدس زده بود. آقا محسن از درد به خودش می پیچید و حتی نگران بود نتواند بقیه عملیات را هدایت کند. نوربالا ارتوپد نبود. باید برمی گشت و شخص مناسبی را پیدا می کرد. قرار شد بلافاصله راه بیفتند ولی دم در راننده رفت که همین الان برگردد و یک ربع بیست دقیقه ای طول داد. در این فاصله نوربالا که عجله هم داشت با یکتا پیراهن، از سرمای سحری اسفند لرزید.

راننده پیدایش شد و سوار ماشین شدند اما دوباره غیبش زد. معطلی این دفعه با اینکه داخل ماشین گرم تر بود، بیشتر به طول کشید و داد دکتر درآمد تا بالاخره راه افتادند. سپیده روز سوم عملیات خبیر زده بود که به بیمارستان رسیدند و رفتند طرف سنگر ریاست.

از دور صدای داد زدن می آمد. جلوی سنگر شلوغ بود. نزدیک تر به جای دیوار، آوار دیده می شد و شلوغی. چند نفر داشتند خاک را کنار می زدند. خاک و خل تقریباً همه آن چیزی بود که از سنگر ریاست باقی مانده بود.

از آنها که دیشب در سنگر خوابیده بودند، هنوز نوربالا را پیدا نکرده بودند. او مسئول بهداری کل بود. از دو معاونش، «رهنمون» تا اورژانس هم دوام نیاورد. رهنمون رئیس بیمارستان هم بود. خدایپرست، معاون برنامه ریزی بهداری کل، هم شهید شده بود. هشت نفر بقیه همه یا در بهداری مسئول بودند یا مثل طهماسبی و دیانتی پزشک بودند. اینها به درجات مختلف زخمی شدند. شهید هم دادند. این یعنی اینکه قسمت عمده ای از بدنه بهداری، آسیب جدی دیده بود.

از طرف دیگر بعد از حمله به سنگر ریاست، جراح های بیمارستان اعلام کردند به دلیل ناام بودن منطقه تا زمان موافقت با درخواستشان برای انتقال به بیمارستان، دست از کار می کشند. بیمارستان ۲۰ اتاق عمل داشت و مهم ترین مرکز بهداری بود. کار به مشاخره و تهدید کشید و گره خورد.

وقتی که نوربالا به بیمارستان رسید، آمده بود برای آقا محسن ارتوپد برود. حالا با اتفاق های یکی دو ساعت اخیر، باید پیگیر حال بچه ها باشد، جاهای خالی را پر کند که کارها نخوابد و به اتاق عمل سسر بزند تا با جراح ها حرف بزند. البته قضیه ارتوپد هم هست...

\* قرار بود این چند خط پاسداشت مقام شهید «دکتر محمد علی رهنمون» باشد. کسی که نامش را هر روز بر سردر تالارهای دانشگاه های علوم پزشکی می بینیم اما بعید است دانشجویان این روزگار رهنمون را بشناسند.

رهنمون در سال ۱۳۶۰ به عضویت سپاه پاسداران درآمد و بلافاصله بعد از ورود به سپاه، مسئولیت بیمارستان ولیعصر را به عهده گرفت. بسیاری از بیمارستان های صحرایی روزهای جنگ به دست رهنمون راه اندازی شدند. او سرانجام صبح ۶ اسفند ۱۳۳۲ در حال اقامه نماز در بیماران هوایی بیمارستان صحرایی خاتم الانبیا به شهادت رسید.

### تیمورزاده

شبه نامین منابع علمی علوم پزشکی کشور

www.timourzadeh.com  
email: timourzadeh@tda.com

۸۸ ۳۲ ۹۰ ۹۰  
۸۸ ۹۵ ۱۱ ۱۲

**2007**

**3 جلدی**

**NELSON TEXTBOOK OF PEDIATRICS**

بها: ۵۹,۲۰۰ تومان

پیش فروش با ۲۰٪ تخفیف: ۳۹,۲۰۰ تومان

رحلی - ۳۳۰ صفحه

**2007**

**Pediatric**

بها: ۱۹,۲۰۰ تومان

وزیری ۶۲۴ صفحه

کتاب حاضر، بر اساس رویکرد مبتنی بر مشکل نگاشته شده است. فصول کتاب به گونه ای است که کلیه مباحث مطرح شده در کتب مرجع اطفال (مکتب لیسون) را پوشش داده است. نوع سؤالی های بسیار شبیه سوالات آزمون های پورد تخصصی آمریکا است.

**2007**

**DIAGNOSTIC TESTS**

بها: ۲۹,۲۰۰ تومان

وزیری ۱۲۰۰ صفحه

تفسیر همه آزمایش های تشخیصی و تست های پاراکلینیک در یک کتاب گردآوری شده است. مقدار قابل توجهی از علل تغییرات در شاخص ها تفسیر آزمایش ها

**2007**

**Abdominal Operations**

بها: ۵۹,۲۰۰ تومان

رحلی - ۱۳۳۸ صفحه

مرجع آزمون های پورد تخصصی جراحی فوق تخصصی جراحی

**2007**

**ANDREOLI AND CAPDETTER'S PEDIATRIC MEDICINE**

بها: ۲۴,۲۰۰ تومان

وزیری ۱۲۵۸ صفحه

مرجع معرفی شده از سوی وزارت بهداشت برای آزمون های دستیاری و پیش کاروری

**2006**

**RICHARD S. SNELL CLINICAL NEUROANATOMY**

بها: ۵۹,۲۰۰ تومان

۵۶ صفحه - رحلی - هارد

یکی از کاربردی ترین کتابها در زمینه نورواناتومی با ساختاری کاملا آموزشی

**2007**

**FIRST AID FOR THE OBSTETRICS & GYNECOLOGY BOARDS**

بها: ۶۹,۵۰۰ تومان

وزیری ۲۵۶ صفحه

کتابی با پوشش کامل بر مباحث زنان و زایمان برای آزمون های دستیاری کشورهای خارجی

**توجه خرید پستی:**

لطفا در صورت تعامل برای خرید پستی هر یک از کتاب ها مبلغ مورد نظر را پس از کسر ۱۰٪ تخفیف به حساب جاری همراه شماره ۱۸۴۴۴ بانک رفاه شعبه نشر به نام انتشارات تیمورزاده واریز نموده و فیش بانکی را به همراه نشانی کامل خود به شماره ۸۸ ۳۲ ۹۰ ۹۰ درنگار. پس از تهیه روگرفت (فوتو) به نشانی کتاب فروشی مرکزی (میدان هفت تیر - ابتدای خیابان قائم مقام فرامنی - شماره ۵) پست کنید.